

آن روزها

گذر و نظری بر اوضاع اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی تربت حیدریه از

مشروطیت تا به حال در قالب خاطرات (من)

(جلد اول)

www.ketab.ir

به قلم: علیرضا بختیاری

سرشناسه: بختیاری، علیرضا، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور: آن روزها: گذر و نظری بر اوضاع اقتصادی... / به قلم علیرضا بختیاری.
مشخصات نشر: تربت حیدریه: افرا تربت، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: وزیری- ۱۸۵ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۷-۹۷-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: تربت حیدریه -- تاریخ
موضوع: -- History Torbat Heydariyeh (Iran)
موضوع: بختیاری، علیرضا، ۱۳۴۰ -- خاطرات
رده بندی کنگره: ۲۰۷۹DSR
رده بندی دیویی: ۸۲۶۵/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۱۴۱۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نویسنده: علیرضا بختیاری

نام کتاب: آن روزها

طراح جلد: فاطمه حسینی

ویراستار: حسین ناصری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۲۷-۹۷-۱

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰

سال انتشار: ۱۴۰۰ چاپ اول

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

صفحه آرای: جواد خوش سیما

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مهرسیما ۰۵۱۵۵۵۳۶۳۱۵



انتشارات افرا تربت

تربت حیدریه - خیابان فردوسی شمالی - پاساژ قدس (بقایی) طبقه دوم - واحد ۳۴

تلفن: ۰۵۲۲۳۲۵۶۷-۰۹۱۵۸۳۱۷۳۴۸-۰۹۱۵۵۳۱۰۴۷۸ Gmail: Afratorbat@Gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱	مقدمه
۳	شهر من (تربت حیدریه)
۷	کارخانه قند
۹	خیابان فرمانداری
۱۰	کوچه شیر چهار سوق
۱۴	مادر بزرگ
۱۶	پدر بزرگ مادری
۱۸	اشغال ایران
۲۰	تولد
۲۲	روشنایی - کبریت
۲۶	وسایل گرمایشی و سرمایشی و پخت و پز
۲۶	گودال کرسی
۳۰	وسایل آشپزی و آشپزخانه (قورمه کنی)
۳۳	خانه سازی پدر
۳۶	پلنگ
۳۹	مغازه پدر
۴۱	باغ پدر بزرگ
۴۴	روغن نباتی
۴۶	درشکه
۵۰	حمام (یک نهاد چند کاره)
۵۵	تازه کچل ها و حمام
۵۷	حمام و سالن آپرا
۵۷	بیرون آمدن از حمام
۵۹	حمام آسایش
۶۲	سفر به مشهد
۶۶	سیمون عرق فروش
۶۸	مسافر خانه های مشهد
۷۱	مکتب خانه (۱)
۷۵	مکتب خانه (۲)
۸۰	میرزا
۸۲	مدرسه علی تمدن

۸۷	روان پریش ها
۹۰	آب
۹۳	خاطره دیگری از مشهد
۹۵	بازی
۹۷	شهری ، دهاتی و نیمه دهاتی
۹۸	همسایه ، (هم سایه)
۹۹	مغازه مرحوم پدر
۱۰۶	سرگرمی های اجتماعی
۱۰۹	گِرمه
۱۱۱	زاوه
۱۱۷	خانه جدید
۱۱۸	کتاب و کتابخوانی
۱۲۱	دوره راهنمایی
۱۲۴	تشریف مرحوم پدر به حج
۱۲۶	درس ریاضی
۱۲۹	ورود تلویزیون به تربت
۱۳۲	هشت
۱۳۷	دوره متوسطه
۱۴۰	انجمن دینی
۱۴۲	همسایه ها در خانه شهری
۱۴۴	چهارراه آسایش
۱۵۳	درس خواندن های شبانه
۱۵۵	دی قبل از بهمن
۱۵۷	برادرم! امروز حافظ نظم، خودت هستی
۱۶۰	باغسلطانی (کافه جهان)
۱۶۲	کاریز دیوانه
۱۶۴	دانشگاه ، شروع جنگ، تربیت معلم

این خط خطی‌ها را به هدف یادگار گذاشتن به جهت فرزندانم نوشته بودم، که با اصرار جمعی از دوستان تصمیم به نگارش و انتشار آن گرفتیم.

گرچه (من)، محلی از اعراب ندارم که شرح آن قابل خواندن باشد، ولی احتمال دادم که می‌توان در لابلای این شرح حال علاوه بر ایجاد حسی خاطره انگیز در خوانندگان - یک سری آداب، رسوم، خُرده فرهنگ‌ها، سرگرمی‌ها، آداب معاشرت و تعاملات انسان‌های دهه‌های ۴۰ و قبل از آن را؛ به نسل جدید انتقال دهم.

چرا که مطمئن هستم، موارد فوق، در هیچ سند رسمی و یا کتاب‌های شُسته رفته و اتوکشیده و از هفت خوان نشر گذشته، درج نمی‌گردد. و باگذر زمان به فراموشی می‌گراید. ایجاد یک حس زیبا و خاطره انگیز هم در این واویلا بازار اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در جای خودش، یک هدف مورد توجه باشد

چرا که به فرض هم آشنایی با بزرگان این دیار و آداب و رسوم چند دهه پیش چندان جزء واجبات نباشد ولی مطمئناً لحظه‌ای آرامش و بودن در عالم خیال در حال حاضر متاعی گرانبها است.

من و هر کس دیگر می‌داند مردم چه گرفتاری‌ها دارند، بیکاری، گرانی، بد اخلاقی‌ها، مشکلات اقتصادی، مشکلات شخصی و خانوادگی، خدای ناکرده مریضی، بی‌پولی و ...

ولی یک سوال؟

در کجای عالم و در چه وقت، از پیدایش انسان‌ها بوده که این گرفتاری‌ها نباشد؟
چه وقت؟ کجا؟ و چه کسی؟ از عالی و دانی، از ثروتمند و فقیر، از فاسد و صالح، در این جهان؛ آب خوش از گلویش پایین رفته یا می‌رود؟
این جا محنت کده است، اینجا زندان است.

(الدُّنْيَا مَحْفُوفَةٌ بِالْبَلَاءِ) (دنیا پیچیده با بلا است)